

« فصل چهارم »

نگت ادبی، دستوری، معنی و مفهوم

درس دهم «کلاس ادبیات» - «مروارید و صدف» - «زندگی حسابی» - «فرزند اقلاب»

و «شعر خوانی گل و گل»

علی اسفندیاری (نیما یوشیج) - ۱۳۳۸ - ۱۳۳۷۲ هـ - ش: در حلقه یوش (از روستاهای مازندران) پایه عرصه وجود گذاشت. برای آموختن زبان فرانسه و ادامه تحصیل وارد مدرسه «سن لویی» در تهران شد. و علمی مهربان به نام نظام وفا او را در خط شاعری انداخت.

از آثار او می توان به: «افسان» «ای شب» «قصه رنگ پیده» و... اشاره کرد. از او به عنوان پدر شعر نو یاد می کنند

نظام وفا ۱۳۴۳ - ۱۲۶۶ هـ - ش: در شهر ساآران ویدگل کاشان دیده به جهان گشود و تحصیلاتش را در انجمن پیمان بردوی سالها در مدارس تهران ف زبان و ادبیات فارسی را تدریس کرد و بر جوانان و علاقه مندان به فرسنگ. ادب تاثیر بسزایی نهاد. وفا که خود شاعر بود در راهبانی و تشویق نیما تاثیر زیادی داشت.

محمد حسین شهباز ۱۳۶۷ - ۱۲۸۵ هـ - ش: سید محمد حسین بخت تبریزی متخلص به «شهباز»، شاعری معاصر است که در تبریز به دنیا آمد. در دارالفنون تهران ادامه تحصیل داد و آن گاه وارد دانشگاه پزشکی شد اما پس از چندین پزشکی را رها کرد و به شاعری روی آورد. ابتدا «بخت» تخلص می کرد ولی بعدها تخلص شهباز را برگزید

ملک الشعرا ی بهار ۱۳۳ - ۱۲۶۶ هـ - ش: بهار در مشهد به دنیا آمد و نزد پدرش، شعر و فنون ادبی را آموخت. یکی از آثار مهم او «سبک شناسی» است.

« معنی جمله های دشوار، کلاس ادبیات »

نیما با کنجاوی به دهان معلم چشم دوخته و با تمام وجود در جاذبه های شعر غرق شده بود

معنی: نیما با کنجاوی ودقت به سخنان معلم گوش می کرد و با تمام عشق و علاقه ، جذب زیبایی های شعر شد

نام بعضی نفرات رزق روح شده است

معنی: اسم بعضی از انسان ها غذای روح من شده است و روح من با یاد ان ها آرامش پیدا میکند

آرایه های ادبی: رزق روح شده است : کنایه از اینکه باعث تقویت روح می شود

وقت هر دلتنگی / سویشان دارم دست / جرتتم می بخشد / روشنم می دارد .

معنی: زمان دلتنگی و ناراحتی ، از آنها کم می گیرم . یاد و خاطره آنها به من شجاعت می دهد و روحم را آرام و خوش میکند.

آرایه ادبی: سویشان دارم دست دارم : کنایه از کمک خواستن / دلتنگی : کنایه از غمگینی

« معنی جمله های دشوار، مرواریدی در صدف »

در یازده سالگی با اشعار فردوسی ، نظامی ، مولوی و ناصر خسرو آشنا شد

آرایه ادبی: مراعات النظیر بین فردوسی ، نظامی ، مولوی و ناصر خسرو

پدر از پروین همچون مروارید در صدف با دقت مراقبت می کرد

معنی: پدر پروین از او مانند مروارید گران بها با دقت بسیار محافظت می کرد به عبارتی او را تربیت می کرد و به او آموزش می داد

آرایه ادبی: همچون مرواریدی در صدف : تشبیه (پروین به مروارید تشبیه شده) / مروارید و صدف : مراعات النظیر

ای مرغک خردز آسپانه پرواز کن و پریدن آموز

معنی: ای پرنده ی کوچک از آشیانه ات پرواز کن تا پریدن را یاد بگیری

آرایه ادبی: ای مرغک : تشخیص / مرغک ، آشیانه ، پرواز و پریدن : مراعات النظیر

نکته دستوری: مرغک : منادا / آشیانه : متمم / پریدن : مفعول

تا کی حرکات کودکانه؟ درباغ و چمن حمیدن آموز

معنی: تا کی می خواهی رفتار کودکانه داشته باشی؟ زمان ان رسیده که در باغ و چمن با ناز و غرور پرواز کردن را یاد بگیری

رام تو نمی شود زمانه رام از چه شدی؟ رمیدن آموز

معنی: زمانه هرگز مطیع تو نمی شود بنا براین توهم مطیع روزگار نباش بلکه راه گریختن و مقابله کردن را یاد بگیر

مندیش که دام هست یانه بر مردم چشم دیدن آموز

معنی: تنها به گرفتاری ها و سختی های روزگار فکر نکن بلکه راه درست اندیشیدن و مقابله کردن با ان سختی ها را یاد بگیر و تجربه

کسب کن

نکته دستوری: مردم چشم (مردمک چشم): متمم / دیدن : مفعول

شوروزه فکر اب ودانه ههگم شب آرمیدن آموز

معنی: روز به دنبال غذا باش و به هنگام شب استراحت کن

آرایه ادبی: روز و شب تضاد / آب و دانه : مراعات النظیر /

نکته دستوری: شو : فعل امر / فکر : متمم

معنی بیت محمد حسین شهباز برای پروین اعتصامی:

به راستی که یکی از نوانغ ادب است میان شاعره ها تا کنون نظیرش نیست

معنی: به درستی که پروین در سرودن شعر یکی از شاعران نابغه ادبیات فارسی است و در بین زنان شاعر مثل و مانند او وجود ندارد

« معنی جمله های دشوار، زندگی حسابی »

به جان زنده دلان سعید که ملک وجود نیرزد آنکه دلی راز خود میازاری

معنی: ای سعیدی به جان انسان های عاشق و شاد ، قسم میخورم که دنیای مادی آن قدر ارزش ندارد که بخاطر آن ، مردم را از خودت برنجانی و آزاده کنی.

آرایه ادبی: مُلک وجود : اضافه تشبیهی (وجود به ملک تشبیه شده)

نکته های دستوری: این بیت ۴ جمله است ، که در جمله اول فعل «قسم می خورم» حذف شده (به جان زنده دلان قسم می خورم) در جمله دوم منادا با نشان ندا آمده است (سعیدی: منادا / حرف ندا)

« معنی جمله های دشوار، فرزند انقلاب »

ذهن او لبریز از سروده های زیبا بود

معنی: در ذهن او شعر ها و سروده های زیبایی وجود داشت

در دی ماه ۱۳۸۴ چشم از جهان فرو بست

معنی: چشم از جهان فرو بست ، کنایه از مردن

«شعرخوانی، گل و گل»

قالب شعری: مسط

_____ الف _____ الف

_____ الف _____ الف

_____ ج _____

_____ ب _____ ب

_____ ب _____ ب

_____ ج _____

شبی در محفلی با آه و سوزی شنیدستم که مرد پاره دوزی
چنین می گفت با پیر عجوزی گلی خوشبوی در حمام روزی
رسید از دست محبوبی به دستم

معنی: شنیده ام که شبی در یک مجلسی مرد پینه دوزی به پیرزنی چنین گفت: یک روز در حمام، دوستی به من گل خوشبویی داد

گرفتم آن گل و کردم خمیری خمیری نرم و نیکو چون حریری
معطر بود و خوب و دلپذیری بدو گفتم که مشکلی یا عبیری
که از بوی دلاویز تو مستم

معنی: آن گل را گرفتم و به خمیری نرم و خوب تبدیل کردم که نرمی و لطافت آن مانند ابریشم بود. آن خمیر خوشبو و خوب و دل پسند بود. به او گفتم که مشک یا عبیر هستی که من از بوی خوش تو از خود بی خود شده ام.

آرایه ادبی: چون حریری: تشبیه / مشک ، عبیر ، بو : مراعات النظیر

نکته دستوری: «ی» در مشکلی و عبیری ، هر دو به معنی هستی است و هر کدام یک جمله هستند .

همه گل های عالم آزمودم ندیدم چون تو و عبرت نمودم
چو گل بشنید این گفت و شنودم بلغفتا من گلی ناچیز بودم
ولیکن مدتی با گل نشستم

معنی: همه گل های دنیا را آزمایش کرده ام ولی گلی به خوبی و خوشبویی تو ندیدم و متعجب شدم. وقتی گل حرف های من را شنید

گفت: من گلی ناچیز و بی ارزش بودم، ولی مدتی هم نشین گل شدم

آرایه ادبی: گل این گفت و شنور را شنید : تشخیص

نکته های دستوری: همه گل های عالم : مفعول / تو : متمم /

گل اندر زیر پا گسترده پر کرد مرا با همنشینی مفتخر کرد
چو عمرم مدتی با گل گذر کرد « کمال همنشین در من اثر کرد
و گرنه من همان خاکم که هستم »

معنی: گل، گلبرگ هایش را زیر پایش پراکند و من را با هم نشینی اش سرافراز کرد. وقتی مدتی از عمرم با گل سپری شد، صفات و ویژگی

های خوب گل در من اثر کرد. و گر نه من در اصل همان خاکی هستم که در ابتدا بی ارزش بودم.

لغات مهم:

کلاس ادبیات

۱. کلاس: در اینجا به معنی دانش آموزان است
۲. چشم دوختن: کنایه از نگاه مردن
۳. جاذبه: گیرایی
۴. تاثر: اثر گذاشتن بر چیزی
۵. برق: درخشش
۶. دستپاچگی: آشفته و مضطرب شدن
۷. لحن: صدا، آواز، حت=التی در خواندن
۸. رزق روح: خوراک روح و جان
۹. رزق: غذا
۱۰. جرأت: شهامت

مرواریدی در صدف

۱. کوشا: تلاشگر
۲. استعداد: توانایی و قابلیت
۳. مراقبت: نگهداری
۴. شگفتی: تعجب
۵. مرغک: پرنده کوچک
۶. چمیدن: نرم و آهسته و با ناز راه رفتن
۷. مندیش: نیندیش
۸. مردم چشم: مردمک چشم
۹. آرمیدن: آرام گرفتن
۱۰. نوابغ: جمع نابغه ف تیز هوش
۱۱. نظیر: مانند
۱۲. شاعره: شاعر زن

زندگی حسابی:

۱. چیره: غالب و مسلط
۲. طاقت: توان و نیرو
۳. فراغت: آسایش
۴. پروا: ترس و هراس
۵. واجبات: اعمال واجب
۶. امور فنی: کار های فنی و مربوط به فن و تخصص
۷. پاسی: بخشی از زمان
۸. استقلال: آزادی و وابسته نبودن
۹. واردات: کالاهایی که از خارج از کشور وارد می شود
۱۰. معتقد: باور داشتن
۱۱. آراسته: مزین شده ، زیبا و مرتب شده
۱۲. زنده دلان: انسان های عاشق
۱۳. مُلک: بزرگی ، پادشاهی ، عظمت
۱۴. وجود: هستی
۱۵. نیرزد: ارزش ندادن

فرزند انقلاب:

۱. شور: علاقه و هیجان
۲. تقریبا: حدودا
۳. زمزمه: نغمه ، زیر لب سخن گفتن
۴. قرائت: خواندن
۵. مشاعره: مسابقه شعر خوانی از حفظ
۶. لبریز: پر و انباشته
۷. چشم از جهان فرو بست: فوت کرد
۸. معظم: بزرگوار . بزرگ داشته شده
۹. پژوهشگر: تحقیق کننده
۱۰. پژوهش: تحقیق
۱۱. صالح: نیکو و درستکار
۱۲. نوید: مزده و خبر خوش

گل و گل:

۱. محفل : مجلس
۲. شنیدستم: شنیده ام
۳. عجوز: پیرزن
۴. پاره دوز: پینه دوز کسی که کفش تعمیر می کند
۵. محبوب: معشوق ، دوست داشتنی
۶. حریر: نوعی پارچه ابریشمی
۷. معطر: خشبو
۸. مشک: ماده خشبوی قهوه ای رنگ که از کیسه ای در زیر پوست شکم نوعی آهوی نر به دست می آید
۹. عبید: نوعی ماده خشبو که از ترکیب مشک ، گلاب ، زعفران به دست می آید
۱۰. دلایز: مطلوب ، خشبو و خوشایند
۱۱. عبرت نمودم : شگفت زده و متعجب شدم
۱۲. گسترده پرکرد: گلبرگ هایش را پراکنده کرد
۱۳. همنشین: یار و همراه
۱۴. مفتخر: سر افراز

پانخ خودارزیابی:

۱. معلم برای تشویق نیما چه کرد؟
معلم گفت: آفرین آفرین خیلی خوب بود آقای علی اسفندیاری!
۲. دکتر حسابی و دکتر کاظمی آشتیانی چه خصوصیات مشترکی داشتند؟
مطالعه کتاب، منظم بودن، انجام تکالیف دینی، حافظ قرآن بودن.
۳. به نظر شما چرا دکتر حسابی با (علم بدون عمل) مخالف بود؟
زیرا اگر علم داشته باشیم اما انجام ندهیم و عمل نکنیم در زندگی به درد ما نمی خورد.

پانخ فعالیت های نوشتاری:

۱- زمان فعل های زیر را مشخص کنید

خواهم رفت: **آینده** می نویسد: **حال** گرفته بودی: **گذشت** شنیدیم: **گذشت** نشسته بودید: **گذشت** آمدند: **گذشت**

۲- پیام ، قافیه وردیف را در قطعه زیر بنویسید

بزرگی پند به فرزند داد کی پسر این پیشه پس از من تورا ست
هرچه کنی کشت همان بدروی کار بدو خوب چوکوه و صداست

پیام: هر کس نتیجه عمل خود را مشاهده میکند نه کم و نه بیش

قافیه: را و صدا / **ردیف:** است

۳- با توجه به متن درس، جای خالی را با کلمه مناسب، پر کنید.

-معلم با همان **حن** گرمش ادامه داد: «خیلی عالی است

-اگر با او همسفر می شدی در طول راه **تلاوت** زیبای قرآن او را می شنیدی

۴- در متن زیر غلط های املائی را پیدا کنید و شکل درست آنها را بنویسید.

مهم این است که در مقابل سختیها **تسلیم** نشد. اگر انسان در برابر دشواری ها بایستد، بر آن چیره می شود، البته باید **سروتاقت** را از

دست نداد و هیچ گاه ناسپاسی نکرد. **تسلیم- صب- طاقت**